

از: دکتر حبیب‌الله زنجبانی

مروری بر نقش تغییرات جمعیتی در روند تاریخی پینش‌های سیاسی-اقتصادی



جمعیت جهان در اواسط قرن هفدهم به ۵۵۰ میلیون نفر، در میانهٔ قرن هجدهم به ۷۲۵ میلیون نفر، در اواسط قرن نوزدهم به یک میلیارد و سیصد و بیست و پنج میلیون نفر، در سال ۱۹۵۰ به دو میلیارد و پانصد میلیون نفر رسید. بر پایهٔ روند کنونی این رقم، تا سال دو هزار به بیش از ۶/۵ میلیارد نفر خواهد رسید.

میزان رشد جمعیت جهان که در آغاز مسیحیت بسیار کند و بطئی برده، به تدریج افزوده شد. در عمده ۱۹۷۰ به بالاترین حد خود رسید و از آن به بعد بر اثر سیاست‌های خاصی که در قبال افزایش شدید جمعیت در پاردهای از کشورهای به مورد اجراء گذاشته شد کمی کاهش یافت و در سال حاضر به حدود ۱/۷ درصد در سال رسیده است. با چپ‌انگیزی جمعیت جهان در هر فاصله ۲۱ ساله می‌تواند دو برابر شود.

مسئله مهم در بحث مربوط به جمعیت جهان و چگونگی آن تفاوت‌های مهم در توزیع جمعیت بر حسب مناطق مختلف می‌باشد. این تفاوت‌ها نه تنها بین کشورهای صنعتی شده و کشورهای در حال رشد وجود دارد و نه تنها در داخل هر یک از گروه‌های مذکور فوق نیز دیده می‌شود. بلکه یکی از مسائل مهم جمعیتی کشورهایی است که از ملت‌های مختلف تشکیل شده‌اند. این تفاوت‌ها در مقیاس کوچکتر بین گروه‌های و نظام‌ها، برای یک و در مقیاس بزرگتر بین جمهوری‌های متعدد روسیه شوروی به خوبی دیده می‌شود. سطح باروری و زاد و ولد بالا، فلامان‌ها را از اقلیت قومی به اکثریت هموکراتیک رسانده، در کانادا روز به روز بر ارزش نسبی جمعیت فرانسوی‌تبار داکوتا افزوده است و روسیه را در مخصوصهٔ افزایش تعداد و نسبت جمعیت چماق‌دار

حال که محدودهٔ برون قدرت محصول دهی جاگرا مانعی در راه افزایش جمعیت بشمار می‌آورد، معتقد بود که دولت‌ها باید به دنبال داشتن جمعیت بشمار باشند زیرا به نظریهٔ جمعیت عامل اصلی قدرت است.

مزان بوهنه متفکر فرانسوی قرن ۱۶ نظریات خود را در جمله معروفی بیان کرده که بعدها به صورت مختلف ارائه شده است وی می‌گفت که هیچ ثروت و قدرتی جز افراد وجود ندارد.

در انگلستان نیز مختار از اوضاع و احوال اقتصادی آن روز افکاری شکلی گرفت که بعدها به صورت پارزنی در نظریات مانتوس پدیدار شد. «توماس مور» دوام معروف خود به نام «اترپیه» بدین جهت تصویر کرده و می‌گفت که شهر اتوبیک نمی‌تواند جمعیت بیشتری داشته باشد.

در چهار جاذب همین افکار و نظریات، بینش‌های مختلفی شکل گرفت که می‌توان آنها را در سه گروه زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱- بینش‌های موافق با افزایش جمعیت
- ۲- بینش‌های موافق با کنترل جمعیت
- ۳- بینش‌های مربوط به جامع‌نگری دربارهٔ جمعیت

لکن قبل از بحث، در این موارد باید سیر تحول جمعیت و چگونگی افزایش آنرا بررسی نمود تا علل و ضرورت پیدایش بینش‌های فوق را به درستی فهمید.

هم اکنون در سطحی معادل ۱۸۸ میلیون کیلومتر مربع که مساحت مجموعه خشکی‌های جهان را تشکیل می‌دهد حدود ۵ میلیارد نفر زندگی می‌کنند. این رقم در آغاز مسیحیت یعنی حدود دو هزار سال پیش نزدیک به سیصد میلیون نفر برآورد شده است.

جمعیت شناسی گرچه به عنوان دانشی جدید تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم جای خود را در بین علوم اجتماعی باز نموده و اکنون نیز به صورت یکی از پایه‌های مهم برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی درآمده است، لکن تاریخ تفکرات جمعیتی به تاریخ پیدایش جمعیت انسانی برمی‌گردد و اندیشهٔ انسانی دائماً حول محور جمعیت و منابع و مضار افزایش آن نوار زده است.

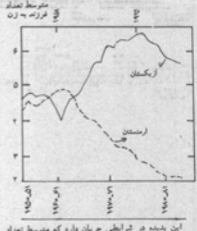
در آثار بسیاری از نویسندگان و متفکران، توجه به جمعیت و ابعاد مختلف آن به خوبی منجلی است. این افکار ضمیر مایه نظریه‌ها و تئوری‌های جمعیتی است که اشاره به پارهای از آنها در این جا ضروری است.

افلاطون عدل اساسی را دلیل تضمین ثبات دولت‌ها می‌دانست و در عین حال داشتن جمعیت متوفق را توصیه می‌کرد. در بحث مربوط به شهر «شایگان» می‌نویسد که جمعیت آن باید به وسیلهٔ فضات تعیین شود و رقم آن باید طوری باشد که با پیش‌بینی جنگها و بیماری‌ها و عوامل دیگر، تعداد آن در همان حد تعیین شده باقی بماند و دولت‌ها تا جایی که مقدور باشند نه بزرگتر و نه کوچکتر شوند.

روحانیان از زمان ژولیوس مزار (۴۴ - ۱۰۱ ق.م) به بعد که به علت قلت جمعیت در قبال حملات اقوام مهاجم خود را در حال تهدید احساس می‌کردند نخستین سیاست‌رسانی در مورد افزایش جمعیت را از طریق تشویق به ازدواج، زایمان، کمک‌های نقدی به خانوارهای پرآوازه، دست‌یابی آسان سرپرستان این قبیل خانوارها به مشاغل دولتی و نظایر آن اتخاذ نمودند گرچه این اقدامات نتوانست گرایش‌های جمعیتی را درگروگان سازد لکن فکر ضرورت افزایش جمعیت را تقویت کرد. آنتوان که سماکیاروله در قرن ۱۶ میلادی در عین

آسیایی آن قرار داده است. آنچنانکه علیرغم اجرائی سیاست کنترل موالید در روسیه و تشویق غیر مستقیم آن در تمام جاهای آن کشور، میزان موالید در ازبکستان از ۳۳٪ در هزار در سال ۱۹۸۵ به ۳۶٪ در هزار در سال ۱۹۸۵ رسیده است. این افزایش در مدت در زمانی صورت گرفته است که پارواری کل یعنی تعداد فرزندان که یک زن در تمام طول دوران پارواری خود به دنیا می آورد، در همین جمهوری از ۶٫۳ نفر در سال ۱۹۷۵ به ۵٫۴ نفر در سال ۱۹۸۳ کاهش پیدا کرده است. مسأله ای که اهمیت ساخت سنی و جنسی جمعیت را در چگونگی افزایش تعداد آن به خوبی نشان می دهد، همین نرخ نرین نژادها یعنی فرمی و نژادی را در نحوه افزایش جمعیت اقوام و ملیتهای مختلف، علیرغم تشویق و اجرائی سیاست خاصی در کل کشور روشن می سازد.

نمودار شماره ۱



این پدیده در شرایطی جریان دارد که متوسط تعداد فرزندان یک زن در کل کشورهای اروپایی روسیه در سطح ۲/۱ نفر، در جاهای غربی دریای خزر در سطح ۲/۳ تا ۳ نفر و در جاهای جنوبی واقع در شرق دریای خزر بین ۲/۳ تا ۵/۲ نفر قرار دارد.

تباران در بحث مربوط به تغییر و تحول جمعیت جهان کافی نیست تنها ساله را در سطح کلی و یا حداکثر در سطح مناطق مستعنی شده نوامی متکی بر تولیدات مواد اولیه و خام مطرح ساخت، بلکه باید ضمن شناخت خطوط عمده و کلی مربوط به چگونگی گرایشهای جمعیتی جهان و تقسیم بندیهای کلی آن، ویژگیهای جمعیتی هر منطقه را با توجه به مجموعه اوضاع و احوال حاکم بر آن مناطق مورد مطالعه و بررسی و استنتاج قرار داد تا بتوان چشم اندازهای آینده را با وضوح و روشنی بیشتری به تصویر کشید. جهان در حال حاضر دارای دو ویژگی عمده جمعیتی است.

۱- افزایش شدید جمعیت: بسیاری از جمعیت شناسان انقلاب صنعتی را آغاز مرحله نوینی در افزایش جمعیت جهانی می دانند. بر اثر این انقلاب آگاهی انسان در مبارزه با طبیعت متوسّصاً در مبارزه با مرگ بالاتر رفت و هر چه میزان مرگ و میر کاهش یافت، رشد جمعیت فزونی گرفت. لکن این وضع به صورت پاکستان در کشورهای صنعتی شده امروزی و جهان متکی بر تولیدات مواد اولیه و خام پیش نیامد.

در گروه نخست کاهش میزان مرگ و میر تقریباً با کاهش سطح پارواری همراه شد و کثیر از مرحله پارواری و مرگ و میر بالاتر و رسیدن حد تعادل و در مواردی تسوای سین آن در مدت زمان زیادی طول نکشید. در حالیکه در گروه دوم کاهش میزان مرگ و میر بالاتر و حتی در مواردی افزایش سطح پارواری توأم شده و روز بروز در فاصله بین این دو میزان افزوده و در نتیجه میزان رشد جمعیت به سطح بالاتری رسیده که هرگز در تاریخ پیش مشاهده نداشت. قانون ناپاه رئیس سابق دفتر مطالعات جمعیتی سازمان نام متحد جهان دربار زار در تقسیم و تحول جمعیت جهان نام

می برد
۱- قبل از سال ۱۷۵۰ (دوران پیش از انقلاب صنعتی)
۲- بین ۱۷۵۰ تا ۱۸۳۰ (دوران بداری)
۳- بین ۱۸۳۰ تا ۱۹۲۰ (دوران انتقالی و آغاز کاهش موالید)
۴- بین ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ (دوران تعادل مجدد بین موالید و مرگ و میر)
در برخی از کشورهای تصویر می کند که سرانجام تعادلی بین سطح موالید و مرگ و میر در بسیاری از کشورهای دنیا پیش خواهد آمد و جمعیت جهان را افزایش نشدنی آن نجات خواهد داد.
توجه به ارقام زیر چگونگی افزایش جمعیت جهان را در مقاطع ۵۰ ساله از سال ۱۷۵۰ تا ۲۰۰۰ نشان می دهد.

فاصله زمانی	متوسط افزایش سالانه
۱۷۵۰ تا ۱۸۰۰	۹ میلیون نفر
۱۸۰۰ تا ۱۸۵۰	۶ میلیارد نفر
۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰	۸ میلیون نفر
۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰	۱۷ میلیون نفر
۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰	۸۶ میلیون نفر

(بر پایه پیش بینی متوسط)

در نتیجه افزایش تعداد سالانه جمعیت جهان در یک دوره فویست ساله از ۴ میلیون نفر به ۸۶ میلیون نفر رسیده، یعنی حدود بیست برابر شده است. این افزایش در دوره ۷۰ ساله دهه ۱۸۵۰ تا ۱۹۲۰ معادل ۵۱۱ میلیون نفره که تنها در دوره دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به بیش از ۶۸۰ میلیون نفر رسیده است. سهم هر یک از مناطق مختلف جهان در افزایش جمعیت دوره ده ساله مذکور به شرح زیر می باشد:

- آسیا ۲۰۵ میلیون نفر
- آمریکا و آلبانیوسه ۱۰۹ میلیون نفر
- آفریقا ۹۷ میلیون نفر
- اروپا (بدون شوروی) ۳۸ میلیون نفر
- شوروی ۳۱ میلیون نفر

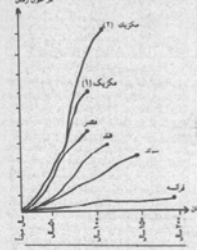
جمعیت جهان که در سال ۱۹۸۵ کمتر از ۴/۵ میلیارد نفر بوده است تا پایان قرن به ۹/۵ میلیارد نفر خواهد رسید و از آن به بعد نیز با افکند نسبتاً بالایی افزایش خواهد یافت. در نظر جغرافیایان سال ۱۹۸۷ تا سال ۲۰۰۰ قابل مقایسه است. جمعیت مناطقی پیشرفته صنعتی از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر به یک میلیارد و پانصد میلیون نفر و جمیع مناطق متکی بر تولیدات مواد اولیه و خام از ۳/۷ میلیارد نفر به بیش از ۵ میلیارد نفر خواهد رسید. این افزایش در اثر ارقام مناطق جمعیت افزایش بسیار شدید جمعیت شهر نشین را بدینسان خواهد داشت و تعداد آنها را که در حوالی سال ۱۹۶۰ فقط یک میلیارد نفر بوده به سه میلیارد نفر خواهد رساند.

هرچه تقسیم جهان - مناطق پیشرفته و کمتر توسعه یافته مورد استفاده گروهی از متخصصان علوم اجتماعی و اقتصادی است و به گفته لاکر آریه، کشورهای مختلف چون داده های نسبی هستند که به دلیل هم قرار گرفته اند لکن ویژگیهای جمعیتی آنها به گونه ای است که به صورتی فرایندی این آنها را از هم متمایز می سازد. بدینوسیله است هرگاه بررسی تغییر و تحول جهان صورتی به دوران کوتاه مدتی چون فاصله سالهای ۱۹۸۷ و ۲۰۰۰ محدود شود در آن صورت اهمیت قطعی که عصر حاضر در نظر طیف جمعیتی خواهد داشت به خوبی ترک نخواهد شد. از این رو باید با اوضاع و احوال کنونی در چهارچوب بررسی دور نگری وسیعی در نظر گرفته شود که متضمن گرایشهای گذشته و چشم اندازهای نسبتاً شکل گرفته ای در آینده باشد. پیش بینی جمعیت کشورهای مختلف فاصلههای بسیار آشکاری را در چگونگی رشد جمعیت آنها نشان می دهد. نمودار شماره ۲ وضع چند کشور را از این نظر آشکار می سازد.

این پیش بینی ها نشان می دهد در حالی که جمعیت فرانسه پس از گذشت ۱۸۵ سال به حدود ۱/۸ میلیارد نفری خواهد رسید. جمعیت سوئد در ۱۵۰ سال آینده نزدیک

به ۲ برابر، جمعیت هند در ۱۲۵ سال آینده ۲/۷ برابر، جمعیت مصر در ۸۰ سال آینده ۵ برابر و جمعیت مکزیک در ۱۰۰ سال آینده بین ۷/۵ تا ۱۰ برابر خواهد شد.

نمودار شماره ۲
ده برابر شدن جمعیت در طول زمان



از ویژگی فعلی جمعیت جهان روند شتاب آمیز شهر نشینی و شهرگرایی است که در حال حاضر مشکل مهاجرت از مناطق روستایی و افزایش بسیار سریع جمعیت شهر ها مخصوصاً در کشورهای متکی بر تولیدات مواد اولیه و خام به آن افزوده شده است.

در بررسی رشد و افزایش جمعیت کشورهای مختلف این مسأله را به صورت دیگری مطرح می سازند و شدت ضعف افزایش جمعیتها را از زمان لازم برای دو برابر شدن آنها می سنجند.

اگر از چهار کشوری که در حال حاضر دارای رشد جمعیتی مطغی می باشند (۱) مصر فقط نهمه و کشورهای آن نیز که رشد جمعیتی آنان نزدیک به مصر است به کنار بگذاریم و زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت کشورهای غربی را که برخی از آنان از نظر پارواری در سطح کشورها قرار دارند، با برخی از کشورهای اروپایی و چند کشور در جمعیت پهنانچسب، به نمودار شماره ۳ خواهیم رسید: جمعیت کویت با رشد طبیعی کنونی خواهد رسید از ۲۰ سال و این نمودار خواهد شد در حالیکه این زمان برای جمعیت فرانسه حدود ۲۰۰ سال، برای جمعیت سوئیس ۳۰۱ سال می باشد. قرار گرفتن کشورهای نظیر مکزیک و برزیل در سطح معالاک غربی نشان می دهد که بر عکس قضاوتهای کلی تنها سطح پارواری در کشورهای اسلامی بالا نیست، بلکه این وضع در کشورهای غیر اسلامی وجود دارد. کشور ما از این نظر در سطح معالاک قرار دارد که جمعیت آنها در هر فاصله بیست ساله دو برابر می شود.

این سرعت افزایش در سالهای اخیر تشدید شده و چگونگی آن از سال ۱۹۰۰ به بعد به شرح زیر بوده است:

سال	تعداد جمعیت	میزان میزان رشد سالانه
۱۹۰۰	۰۰۰۰	۰/۳ یا ۰/۳ درصد
۱۹۰۵	۱۰۰	دو برابر
۱۹۱۱	۱۰۰	دو برابر
۱۹۱۳	۱۰۰	دو برابر
۱۹۱۵	۱۰۰	دو برابر
۱۹۱۶	۱۰۰	دو برابر
۱۹۲۵	۱۰۰	دو برابر
۱۹۳۵	۱۰۰	دو برابر
۱۹۴۵	۱۰۰	دو برابر
۱۹۵۵	۱۰۰	دو برابر
۱۹۶۵	۱۰۰	دو برابر
۱۹۷۵	۱۰۰	دو برابر
۱۹۸۵	۱۰۰	دو برابر

که اگر اثر موازنه مهاجرت‌های خارجی را نیز در آن مدخلات همبر از حدود ۳/۴ درصد در سال کمتر نخواهد بود. با چنین رشدی جمعیت کشور در هر ۲۱ سال دو برابر خواهد شد و تعداد آن در هرالی سال ۱۹۰۰ یعنی ۳۵ سال دیگر به رقمی در حدود ۱۶۰ میلیون نفر خواهد رسید. افزایش سالانه ۱/۶ میلیون نفر بر جمعیت کشور در فاصله سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۵ که با آنگاه فرایندهای در سالهای آینده نیز ادامه خواهد داشت. نیازمند برنامه ریزیهایی دقیق است که می تواند موضوع بحث دیگری باشد.

۲- ویژگی دیگر جمعیت جهان در حال حاضر روند شتاب آمیز شهرنشینی و شهرگرایی است و به مساله افزایش شدید جمعیت جهان شکل دیگری اضافه شده است که مهاجرت از مناطق روستایی و افزایش بسیار سریع جمعیت شهرها مخصوصاً در کشورهای متکی به تولیدات مواد اولیه و خام است.

سرعت و شدت پدیده شهرنشینی که بعد از انقلاب صنعتی از انگلستان آغاز شد در مدت کوتاهی به ایالات متحده و سپس به کشورهای دیگر اروپایی نیز مهاجرت کرد امروزه اغلب کشورهای جهان نظیر هند، چین، فیلیپین، برزیل، الجزایر، شیلی، ژاپن و ایران با جمعیهایی تشدید شده‌ای از آن مواجه می‌باشند. تعداد ساکنان بیش از ۲۰ منطقه شهری از آسمانه ۴ میلیون نفر گذشته و تا پانزده سال دیگر حداقل ۶۴ شهر بیش از ۴ میلیون نفری خواهد داشت که از آن میان جمعیت ۲۰ شهر از ۱۱ میلیون نفر هم تجاوز خواهد کرد. رشد مکزیک با ۳۱ میلیون نفر در ابتدا و بعداً با ۱۱ میلیون نفر در انتهای این لیست قرار خواهد داشت و تهران، مانیل، کراچی و قاهره نیز از جمله آنها خواهند بود.

نمودار شماره ۶ چگونگی رشد شهرنشینی را در چند کشور جهان در فاصله سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۹۸۵ نشان می‌دهد. در چهار چوب این اوضاع و احوال است که می‌توان به بحث و بررسی درباره بیش‌های مختلف جمعیت‌شناسی پرداخت.

با سیری شدن دوران باستان که تعلقه بیش‌های موقوق و مخالف با جهت در افزایش جمعیت در آن شکل گرفته، اواخر قرن سیزدهم تا پایان قرن پانزدهم را باید دوران توجه بیشتر به مسائل اجتماعی دانست. در این دوره نظر بر راهی موقوق با افزایش جمعیت به صورت بازترتبی ظهور یافت متضمنی‌تر از آن جهت که تعداد بیشتر جمعیت عامل قدرت باشد، بلکه به جهت مزینتی که خانواده و استحکام آن در افکار و عقاید متفکران جای گرفته بود نقش کلیسا و تئولوژی‌ها در جهت‌گیری افکار آن زمان اهمیت اکتان‌ناپذیری داشت، آنچه‌که بیشتر میزبان کولونه کشیش معروف کلدی می‌رود (۱۲۳۷ تا ۱۳۱۶) به عنوان حقیقتی اکتان‌ناپذیر شناخته شده بود که می‌گفت: هیچ‌گاه‌ای کامل نیست مگر آنکه آدامی فرزندان متعصبی باشد.

حسن توماس، روحانی دیگر نیز نظریه افلاطون درباره جمعیت موقوق را به یاد انداخته گرفته و عقیده داشت که شهرهای پرجمعیت شهرهای بسیار پررونق و موقوق هستند نظریه او با ارضاع و احوال اروپایی آن دور هماهنگی بیشتری داشت زیرا جمعیت آن‌ها قرار علیه رقم افزایش قابل ملاحظه‌ای در فاصله قرون یازدهم و چهاردهم میلادی در رونق اقتصادی بیشتری مخصوصاً در شهرهای بزرگ برخوردار بوده است.

با پایان قرن پانزدهم به مدت تقریبی فوینت سال نیز افکار سوداگرانه‌ای در اروپا رواج یافت (امرتیکالیسم) که

زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت

نمودار شماره ۳

میزان رشد جمعیت جهان

که در آغاز مسیحیت بسیار کند بوده در حال حاضر به حدود ۱/۷ درصد در سال رسیده است. با چنین آهنگی جمعیت جهان در هر فاصله ۴۱ ساله می‌تواند دو برابر شود.

نیروی انسانی زیاد همرا

با اشتغال کامل بهتر از رکود جمعیتی می‌تواند با افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات سازد. در حالیکه بالا بودن میزان رشد جمعیت در کشورهایی که دارای اقتصاد ضعیفی هستند خود به تشدید وخامت اقتصادی منجر می‌شود.



شروع و از سال ۱۹۵۸ که سیاست هجش به جلوه ماتر اعلام شد، تعدیل رشد جمعیت نیز یکی از ارکان مهم آن سیاست بود پس از انقلاب فرهنگی نیز انگار از این اقدام حمایت شد و ترویج‌ها با دلایل پنجاهه زیر کنترل مولد را جز اینک جامعه سوسیالیستی تلقی کردند:

- ۱- این امر امکان می‌دهد تا بعد خاتمه برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی تنظیم شود.
- ۲- سلاحتی کامل مادر و کودکان را امکان‌پذیر می‌سازد.
- ۳- به معنای وقت بیشتری برای کار و تحصیل می‌دهد.
- ۴- شرایط لازم برای برخوردار شدن از سطح بالای تحصیل را برای نسل فرایند کشور فراهم می‌سازد.
- ۵- در ناشر گذشتن بر روی بعد خاتمه نقش خود را در شکوفایی اقتصاد کشور اعمال می‌کند.
- ۶- هم آکنه در بسیاری از شهرها، جن مخصوصاً در دانشگاهی‌ها می‌کنند ذکر داشتن یک فرزند برای خاتمه بر بصورت برنامه‌ریزی شده‌ای از طرف آن‌همین زنان به تحقق برسانند.
- ۷- حال پس از این بحث مختصر درباره سیاستهای جمعیتی جن بهتر است نظریه به توسعه مسامحه آن زاین بیندازیم و اثر توسعه‌طلبانه را در نیمه اول قرن بیستم بر سیاستهای جمعیتی آن کشور شناسایی جمعیت زاین در

عقیده داشتند پرول و مخصوصاً فزادتی قسیمی ثروت اصلی ملل را تشکیل می‌دهد. این گروه گسرس شهرها و افزایش جمعیت را باعث رواج تجارت و نوآوریهای در جهت استخراج فزادتی قسیمی محسوب نموده و به صورت غیر منطقی افزایش جمعیت را در جهت پیشرفت افکار و عقاید خود می‌دانستند و مخالفت انگاری با آن نداشتند.

مارکسیست‌ها نیز از متفکران افزایش جمعیت بودند. در تئوری مارکس هر نوع کنترل جمعیت اقدام تبهکارانه‌ای محسوب می‌شد که هدف از آن تحقیر نوده‌ها در جهت تحکیم حکومتی استعماری بوده است. آنچه‌که حتی تا اواسط دهه ۱۹۵۰ صانه رهبر چین در سخنرانیهای خود می‌گفت هیزگرترین سرمایه‌چین وجودتصمیم‌میلون چینی است. حتی یکبار در مقابل انتقادی که از سیاست وی به عمل آمده بود و در آن افزایش شدید جمعیت را عامل عقب‌ماندگی اقتصادی عنوان نموده بودند، با بیان این جمله که: مهر چینی دو دست برای کار کردن و یک مدان برای خوردن دارد به آن پاسخ گفت.

اما آنچه را که باید به آن اشاره کرد این است که در حال حاضر کلیه کشورهای کمونیستی (به استثنای آلبانی) رشد جمعیتی خود را کاملاً کنترل نموده و پایین‌ترین میزانهای رشد را در بین کشورهای مختلف جهان دارند. حتی در چین اجرای این سیاست با تشویق «چون لای» نخست‌وزیر وقت

افزودن ظرفیت در انقلاب میهمی، رشد بسیار ناچیز داشت و از جمله جمعیت‌های متروک حساب می‌شد. توسعه نوسازی کشور هر بار با ایجاد و گسترش صنایع و توسعه تجارتی، زاین را در مسیر صنعتی شدن سریع قرار داد. استقرار زیربنای با گرایش به جهانگشایی، مشوق تحکیم پیمان خانواده و افزایش باروری شد. فرآیند جدیدی بر علیه سطح جنس به تصویب رسید. میزان تولید به سرعت رو به افزایش گذاشته. آنچه‌که تا سال ۱۹۱۱ یعنی پایان عصر صحنی، جمعیت زاین در یک دهه نامتولد پانزده ساله وارد شد. جمعیت آن کشور که در حدود سال ۱۹۱۸ به ۵۳۴۷۳ میلیون نفر رسیده بود، حدود بیست سال بعد به ۳۳ میلیون نفر افزایش یافت. مقامات نظامی که در این حال مقامات سیاسی را نیز به عهده داشته و همواره فکر ایجاد امپراطوری بزرگ آسیای شرقی را در سر می‌پروراندند به این نتیجه رسیده بودند که قدرت جنگی برتر در گرو داشتن جمعیت زاینتر می‌باشد. از این رو سرمایه‌دوران زاین در اول ژانویه ۱۹۲۱ ساسنی را تصویب کرده که آن کشور تا سال ۱۹۶۵ حداقل دارای صد میلیون نفر جمعیت شود تا بتواند همواره نیروی نظامی لازم برای تسخیر آسیای جنوب شرقی و جزایر آن را در اختیار داشته باشد. شکست زاین در جنگ جهانی دوم به قیمت جان یک میلیون و هفتصد هزار نفر تمام شد و با آن دست رفتن صنایع و بازمانه‌های آن، اقتضای تشکیل امپراطوری بزرگ نیز به یزید فراموش می‌شود.

تقسیم موجب بدبختی فقر و نابودی هزارها وی خواهد شد. ماتوس می خواست نوعی سرمایه‌داری را که متکی بر تقوی و بالا بردن سن ازدواج و اقامه دوران نچرو توأم با زاهدی و پاکدامنی بود، جایگزین نظام موالده و تناسل نماید. لکن گروهی که بعد از وی به اشاعه نظر او پرداخته راه و روشهای دیگری را مطرح ساختند که از آنچه که ماتوس فکر می‌کرد فاصله روزافزونی داشت. در این میان تلاش طرفداران محیط زیست نیز راه رسیدن به اهداف طرفداران کنترل جمعیت را تسهیل کرد. کنفرانسی ۱۹۱۲ در ۱۹۳۳ پاریس ۱۹۲۸ فونسلو، ۱۹۲۹ ساکن، ۱۹۶۸ مؤسسه خوار وبار و کشاورزی جهانی و سرانجام کنفرانس ۱۹۷۲ سوئد بطور غیر مستقیم به نفی سیاستهای کنترل جمعیت کمک کرد. هر کشور در بیشتر کشورهای صنعتی جهان متوسط تعداد فرزندان یک زن در تمام طول دوران باروری حدود ۱/۸ تا ۲/۵ نفر می‌باشد که معادل بارشده‌ی بی‌صرف تا نیمه‌صرد در سال است. این نیز تحت تاثیر کربن سنی و جنسی جمعیت روز به روز رو به کاهش می‌گردد. در مقابل، کشورهای عقب نگه‌داشته شده و کشورهای در حال توسعه متکی بر تولید مواد اولیه خام هستند. دارای سطح باروری زیاد و در نتیجه میزان رشد جمعیتی بسیار بالایی می‌باشند.

پیشرفته تمام عوامل توسعه اقتصادی است. نیروی انسانی زیاد هر بار با اشتغال کامل، بهتر از رکورد جمعیتی می‌تواند با افزایش تقاضای کالاها و خدمات تولیدی هجرت سرمایه گذاری بیشتر و در نتیجه تحریک اقتصادی را فراهم سازد. در حالیکه بالا بودن میزان رشد جمعیت در کشورهای دارای اقتصاد ضعیفی هستند خود به تشدید و خاتم اقتصادی معجز می‌شود.

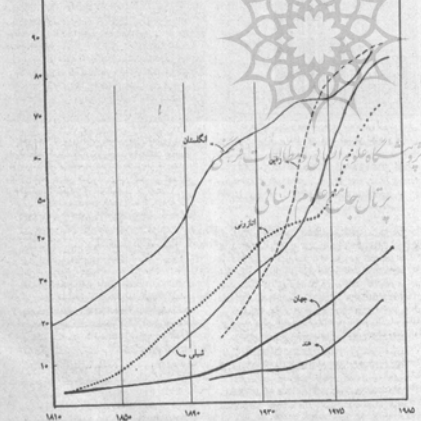
از این رو در مواردی سیاست تسویق موالید موجب رعایتی از رکود اقتصادی است و در مواردی کنترل آن، کشورهای که در حال حاضر دارای سیاستهای مشخصی در بارهٔ تسویق موالید هستند بسیار آشفتگی نشانند. این قبیل سیاستها نیز با توجه به روزه مردم و روانشناسی جمعی که از مدتها پیش در آن کشورها جاه افتاده است، عملاً تاثیر بسیار نامحسوس در افزایش سطح باروری دارند. حال آنکه سیاستهای کنترل موالید به طور رسمی در تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورهای به ویژه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به مورد اجرا گذاشته شده است. نتایج حاصل از این برنامه‌ها در بعضی از کشورهای نظیر کره، تونس، تایوان و تعدادی از متناک آمریکای جنوبی محسوس می‌باشد. لکن مشکل بتوان تاکنون آن را برای یک دوره در مدت ارزبانی کرد. موثر بودن اقدامات مربوط به کنترل موالید در بسیاری از موارد تابع اوضاع و احوال اجتماعی - اقتصادی وزیر بناهای عقیدتی است. تولید در حال عدم صحت نظریاتی که باروری را به نوع تغذیه و با صرفاً به سطح در آمد اقتصادی خانواده‌ها و مربوط می‌ساخت و معتقد بود که هر اندازه سطح تغذیه بهبود یابد باروری به پایه فراترین بیولوژیکی گامته خواهد شد. امروزه تبدیل به بدین شده و در مقابل اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی در کاهش سطح باروری مورد تاکید قرار گرفته است که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۳- پیش‌های مربوط به جامع نگری در بارهٔ جمعیت
بعد از جنگ جهانی دوم که ضرورت توجه به ارزشهای انسانی بیشتر نمایان شد، دوشین جمعیت نتایج اقتصادی و اقتصادی نافع جمعیت‌های خورنده طرز تفکر جدیدی داد. یافته‌های سوسی جمعیت شناسی فرانسوی با طرح حد مطلوب جمعیت متکثرانه‌ای را به وجود آورد که در آن به رابطه بین جمعیت و اقتصاد به صورت دیگری نگر بسته می‌شود.

تولید در چهار جنب این نظر به رشد جمعیت در کشورهای توسعه یافته

در چهار جنب این نظر به رشد جمعیت در کشورهای توسعه یافته

تولید در چهار جنب این نظر به رشد جمعیت در کشورهای توسعه یافته



۲- پیش‌های موافق با کنترل جمعیت:
اگر از پیشینه تاریخ این طرز تفکر سرسخت کسم باید دوریت ماتوس، کشیش انگلیسی را بشماریم که در سال ۱۷۹۸ منتشر کرد و سپس از سال ۱۸۰۳ تا ۱۸۲۵ اصلاحاتی که در آن به عمل آورد تا بعد ایجاد چندی شد به بحث دربارهٔ رشد جمعیت و رشد تولیدات غذائی پرداخت و به این نتیجه رسید که افزایش جمعیت بسیار سریع از افزایش تولیدات مواد غذائی صورت می‌گیرد. او جهان را بر سر راهی هوانامی می‌دید و برای ارضان برین جمعیت اشکالی توسل به جنگ و جنایت و اشاعه بیماریها را مرموده می‌یافت و در مقابل راههای اخلاقی را پیش می‌کشید و معتقد بود که ضعف انسان در علیه بر خوی شماره پنجم - صفحه ۷

بقیه ۷ صفحه از خارخ از خانواده، در پدیده مهم به طور هزمران شکل گرفته است. اولاً از اهمیت خاتواده به عنوان مهم ترین هسته یا ثبات اجتماع کاشته شده و از روابط و تشکیل خاتواده به صورتی متزلزل در آمده است. ثانیاً به جهت ناهمخوانی بین وظایف اقتصادی و خانوادگی زن مخصوصاً در شرایط کم سازمانها و سوسرات اجتماعی نتوانسته اند از اولیای سنتی زن در خاتواده را که در شرایط نوین اقتصادی به عهده آنها واگذار شده است به خوبی انجام دهند، کاهش تعداد موالید راه حلی برای کاهش تعداد مردهج بین نطف اقتصادی و نطف خانوادگی زن به حساب آمده است. مثالهای فراوانی در این زمینه می توان ارائه کرد

روایت اوکتلسن در فاصله سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۹۳۱ و وضع اغلب کشورهای اروپای شرقی در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم از آن جمله است.

۲- توسعه تعلیم و تربیت - بررسیهای مختلف در کشورهای جهان نشان داده است که خاتوادهایی که دارای

سطح بالای باالاتر هستند تعداد فرزندان کمتری دارند. این نتیجه با بررسیهای مربوط به باروری در کشور ما نیز ثابت شده است. در این زمینه بالا رفتن سطح سوواد زنان نقش مهمتری ایفا می کند و آسانه تغییر نیز در گروههای مختلف شغلی تفاوت چندانی با هم ندارد

از این رو بالا رفتن سطح سوواد و آگاهی زنان را که در حال عین امکانات اصفهان بیشتر آنان را فراهم می سازد، باید یکی از عوامل مساعد در زمینه کاهش تعداد فرزندان محسوب داشت.

۳- منطقی شدن امور

به به نظر می رسد که در سیر تحولی جامعه مراحل وجود دارد که در آن مراحل شعور اجتماعی خاصی شکل می گیرد که با درک خطرها و یا شناخت مقضیات، خود به خود تجدینظری در رفتارهای جمعی پیش می آید تا بقا، جامعه را امکانپذیر کند. یکی از این مراحل مهم از دید جمعیت شناسی گذر از مرحله انقلاب جمعیتی است که پس از آن باروری روبه کاهش می گردد و با خواستها و امکانات جامعه هماهنگ می شود

صفتی شدن و توسعه شهرنشینی نیز از عواملی است که در بسیاری از کشورها با کاهش باروری همزمان بوده است. میزان باروری در مناطق شهری به طور محسوسی کمتر از میزان باروری روستایی است و بررسی های جمعیتی در ایران نیز تفاوتی در حد ۱/۵ تا ۲ تا فرزندان را در طول دوران باروری بین تعداد فرزندان زنده تولد شده یک زن در مناطق روستایی و مناطق شهری نشان می دهد. بخشی از متخلفات این مساله را در رابطه تناسلی بین زن و مرد از نظر تصمیم گیری می دانند و برخی دیگر آن را به مشکلات زندگی شهری نسبت می دهند. گروهی نیز معتقدند که اسولا در شهرهای بزرگ روستا و طرز تفکر خاصه شکل می گیرد که مخالف با تولید نسل بیشتر می باشد.

زیر نویس

- ۱- ۴ کشور عبارتند از دانمارک، مجارستان، آلمان غربی و آلمان شرقی
- ۲- پرآورده مقدماتی در سرشماری سال جاری

کتابشناسی گزیده منابع جمعیتی

از: شهلا غفرانی

فارسی:

- ترجمه هوشنگ بهرام بیگی، تهران، سحاب کتاب، ۱۳۵۶.
- ۱۸- معین، سیدرضا، شاخصهای سنی و کاربرد آن در سرشماریها. تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۴.
- ۱۹- ملکیمان، لنیا، بررسی جمعیت شناسی: اقلیتهای مذهبی در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.
- ۲۰- نجاتیان، حسین، روشهای مقدماتی جمعیت شناسی، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۵۶.

لاتین

A selected bibliography of population and demographic publications

- 1) Barclay, George W, Techniques of population analysis. Newyork, Wiley 1958.
- 2) Frejka, Tomas. The future of population growth: alternative paths to equilibrium Newyork, Wiley 1973.
- 3) Hauser, Philip Morris. The Study of population: an inventory and appraisal. Chicago, University of Chicago press, 1959.
- 4) Henrym, Louis. Population: Analysis and models. Translated by: Etienne Van de Walle and Elise F. Jones, London, Arnold, 1976.
- 5) International Encyclopedia of Population editor: John A. Ross. New York, Free Press, 1982.
- 6) Lane, Mary Turner. Astructure for Population education: Goals, generalization and behavioral objectives. Chapel Hill, Carolina Population Center, 1974.
- 7) Petersen, William. Population 3nd ed. New york Mac Millan, 1975.
- 8) Sourey, Alfred. General Theory of population. Translated by: Christophe campos. New york, Basic Books 1969.
- 9) Suits, Daniel Busbidge. Gains from Population Control, results from an econometric model, Honolulu, Eas west Population Institute, 1978.
- 10) Thomlinson, Ralph, population dynamics, causes and Consequences of world demographic change. 2nd, ed - New york Random House 1976.

- ۱- آمانی، مهدی، روشهای تحلیلی جمعیت شناسی، تهران، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۸.
- ۲- آمانی، مهدی، لغت نامه جمعیت شناسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ۳- برسا، رولان، جمعیت شناسی اجتماعی، ترجمه منوچهر محسنی تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ۴- چیانژ، محمد، تاریخچه نظریه جمعیتی، تهران، چهر، ۱۳۵۲.
- ۵- چی یولا، کارلو، تاریخ اقتصادی جمعیت جهان، ترجمه اصغر سرخینی، تهران، انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، بی تا.
- ۶- زنجانی، حبیب الله، تقویم تاریخی دموگرافیک ایران، ج ۱، از: حبیب الله زنجانی و مهدی آمانی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۶.
- ۷- زنجانی، حبیب الله، جمعیت شناسی تطبیقی جهان، از حبیب الله زنجانی، محمد آراسته خوی و داریوش صدرحیدری، تهران، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۰.
- ۸- زنجانی، حبیب الله، مساله بربان و سالخوردگی جمعیت در ایران، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بخش جمعیت شناسی، ۱۳۵۰.
- ۹- سازمان برنامه و بودجه، پیش بینی مقدماتی جمعیت ایران، ۱۳۷۰.
- ۱۳۵۵، تهران، ۱۳۶۰.
- ۱۰- سازمان برنامه و بودجه، روند شهرنشینی و تحول جمعیت شهرهای ایران (۷۱ - ۱۳۵۱)، تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۱- سوی، آلفرد، مقدمه ای بر علم جمعیت، ترجمه: جمشید بهنام، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۰.
- ۱۲- شمس، سیدحسین، جدول امید به زندگی در ایران (جدول عمر)، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۱.
- ۱۳- علیزاده، محمد، جمعیت، منابع و توسعه در ایران، تهران، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۶۴.
- ۱۴- علیزاده، محمد، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳.
- ۱۵- کتابی، احمد، مشکلات جهانی افزایش جمعیت، تهران، دهخدا، ۱۳۵۱.
- ۱۶- کتابی، احمد، نظریات جمعیت شناسی، ویرایش دوم، تهران، اقبال، ۱۳۶۴.
- ۱۷- کلارک، جان آی، جغرافیای جمعیت و کشورهای در حال توسعه.